2-1 ناحیه سیاسی 14

2-2 فضا 15

2-2 -1 تقسیمات بنیانی فضا 15

2-2-2 فضای جهانی 16

2-2-2 -1 عرصه بین المللی 16

2-2-2 -2 عرصه ی فراملی 16

2-2-2 -3 فضای سیاره ای 17

2-3 سازماندهی 18

2-4 سازماندهی های بین المللی 18

2-5 سازماندهی فضا 19

2-5-1 سازماندهی سیاسی فضا و اهمیت آن 20

2-5-2 اهداف سازماندهی سیاسی فضا 21

2-6 عناصر و شاخص‏های سازماندهی سیاسی فضا 22

2-6-1 شاخص جمعیت 22

2-6-2 شاخص‏های جغرافیایی 23

2-6-3 شاخص سیاسی 23

2-7 فرآیند سازماندهی سیاسی فضا 24

2-8 سازماندهی و مدیریت مکان و ناحیه سیاسی 26

2-9 عوامل موثر بر شکل گیری فرایند سازماندهی سیاسی فضا 27

2-10 اهداف عمده سازماندهی سیاسی و مدیریت ناحیه 28

2-11 ملاحظات لازم در سازماندهی سیاسی فضا 28

2-12 نظامهای حکومتی مدیریت سیاسی فضا 29

2-12 -1 الگوی بسیط یا تک ساخت 29

2-12 -2 الگوی ترکیبی و فدرال 30

2-12-3 الگوی ناحیه ای 30

2-13 تمرکز و عدم تمرکز در نظام سیاسی 30

2-14دولت و حکومت محلی 31

**2-1 ناحیه سیاسی**

ناحیه سیاسی به بخشی از سطح زمین گفته می‏شود که در قلمرو ارادۀ سیاسی و فرمانروایی یک قدرت سیاسی قرار گیرد. این قدرت سیاسی ممکن است فرد، نهاد، نظام سیاسی یا حکومت (منطقه‏ای و جهانی)، شورا یا جمعی متشکل باشد که یک فضای جغرافیایی را در اختیار می‏گیرد و به طور همه‏جانبه یا موردی، ارادۀ خود را بر قلمرو آن اعمال می‏کند. بنابراین، با توجه به تنوع و تعدد قدرتهای سیاسی و نهادهای فرمانروا، فضای جغرافیایی سطح زمین به نواحی متعدد سیاسی همجوار، متداخل یا سلسله مراتبی تقسیم می‏شود. نواحی سیاسی- فضایی انواع مختلفی دارد که این موارد را می‏توان تشخیص داد:

1. ناحیه سیاسی درون شهری: کوچکتری واحد جغرافیایی در شهر که در قلمرو اداری یک مدیریت سیاسی- خدماتی نظیر شورا و شهرداری و یا حوزۀ رأی قرار می‏گیرد.
2. ناحیه سیاسی درون کشوری: تقسیمات سیاسی و سلسله مراتبی داخل یک واحد سیاسی مستقل یا کشور. چنین الگویی برای اداره بهتر خدمات، فضای کشور را به واحدهای کوچکتر تقسیم می‏کند که هر واحد مانند یک ناحیه سیاسی- اداری است.
3. ناحیه سیاسی ملی یا کشوری: این نواحی خود دارای دو زیرگروه هستند،
4. نواحی سیاسی مستقل و یا کشور که در حال حاضر بهترین شکل ناحیه سیاسی را در جهان عرضه می‏کند.
5. نواحی سیاسی غیرمستقل که وابسته یا تابع ناحیه سیاسی مستقل یا کشور بالقوه بوده و یا می‏باشند ولی اساساً از دو ویژگی «استقلال» و «شناسایی» که لازمه کشور مستقل است برخوردار نیستند.
6. ناحیه سیاسی فراکشوری: قلمرو نظام‏های منطقه‏ای در عرصه بین‏المللی. این نواحی چند کشور و ناحیه سیاسی مستقل را در برگیرنده و براساس ویژگی‏ها و اهداف مشترک آنها با یک یا دو کارکرد از گروه‏های عمومی و تخصصی پدید می‏آیند. سازمان ملل متحد و ناحیه ایکائو و اتحادیه زغال و فولاد اروپا نواحی تخصصی هستند.
7. ناحیه سیاسی بین‏المللی: قلمرو نظامهای بین‏المللی و جهانی در سطح کره زمین. (حافظ‏نیا و کاویانی‏راد، 1383، 19)

**2-2 فضا**

فضا واژه ی شگفت انگیزی است زیرا که این کلمه برگرفته از واژه ی spatium به معنای (پا، واحد اندازه گیری طول) نخست در زبان فرانسوی تا سده ی شانزدهم به عنوان یک فضای زمانی و سپس یک فضای مکانی کم و بیش محدود شده ای که چیزی می توان در ان جای داد به کار رفته است. از سده ی هفدهم و پس از سفر ماژلان بود که دانشمندان، پادشاهان و امپراتوران به زمین به عنوان یک موجودیت یگانه و یکپارچه نظیر یک سپهر نگریستند و از سده ی هفدهم فلاسفه ای چون لاک و لایبنیتز فضا را به عنوان یک محیط مدرک Concu به وسیله ی انتزاع فضای محسوس Percu با سه بعد چونان محیطی آرمانی و نامتناهی مطرح ساختند. که در آن تمامی گستره های متناهی و محدود جای می گزیده اند. در پایان سده ی هجدهم فیلسوف بزرگ امانوئل کانت که سوای فلسفه مدرس جغرافیا نیز بود عنوان کرد که فضا و زمان دو مقوله ی بنیادی از دانش بشری و هر یک به دیگری وابسته است .

واژه فضا از منظری جغرافیایی، مسئله ی ویژه ای را مطرح می کند. آن طور که امروزه استنباط می شود این کلمه منطقا می بایستی مفهومی اساسی را القاء کند در حالی که جغرافیدانان تنها در چند دهه ی اخیر به آن توجهی ویژه ابراز داشته اند. نخستین یادآوری از فضا درمیان جغرافدانان که به حدود چهل سال پیش از این می رسد، همواره با یک صفت همراه بوده است فضای شهری و فضای روستایی، به منظور تمیز دو مقوله از فضا که آمیخته به مایه ای از تئوری بوده است ( ایولاکوست، 1391، ص215).

**2-2 -1 تقسیمات بنیانی فضا**

نخستین پوشش از تقسیمات بنیانی فضا را نزدیک به 200 کشور تشکیل می دهند. از کوچکترین آنها که تنها چند کیلومتر مربع و حتی کمتر (واتیکان) وسعت دارند، تا گسترده ترین آنها نظیر فدراسیون روسیه، با 17 میلیون کیلومتر مربع وسعت از کم جمعیت ترین با چندین هزار سکنه گرفته تا یک میلیارد و سیصد هزار نفر جمعیت خلق چین در 2004، هفت کشور از پهناورترین سرزمین های جهان (روسیه، کانادا، چین،[[1]](#footnote-1) ایالات متحده، برزیل، استرالیا و هند) نیمی از خشکی های جهان را تشکیل می دهند و دو کشور از این میان یعنی چین و هند، در مجموع حدود 4/2 میلیارد نفر از جمعیت 5/6 میلیارد نفری جهان را در سال 2006 در خود جای می داده اند.به این تقسیمات کشورها و پوشش فضایی آنها تقسیم بندیهای پر رمز و

رازتر و با پوششی فزون تر چون قلمروهای زبانی و مذهبی افزوده می شود. این موزاییک ها با پهنه هایی که به لحاظ اندازه و عناصر تشکیل دهنده خود گوناگونند و با واسطه ی مرزها از هم جدا می افتند، قلمروهایی را با پوشش گوناگون از نظر زبانها و خلق ها و فرهنگهای آنها تشکیل می دهند که با واسطه‎ی شبکه هایی گسترده با یکدیگر در ارتباطند. فضای جهانی زیبابینی است که عناصر آن به نحوی نابرابر متغیرند (اولیویه دولفوس، 1390، ص22)

**2-2-2 فضای جهانی**

مجموعه ای از جریانهای نظم یافته، ازمیان فضای جهانی می گذرد، جریانهایی که در میان قطعات سنگفرش‎های اصلی خود که از کشورها تشکیل شده مستقر می شوند. این جریانها که دست اندرکار شالوده‎بندی فضای جهانی هستند در دو عرصه ی بین المللی و فراملی عمل می کنند (اولیویه دولفوس، 1390، ص22).

**2-2-2 -1 عرصه بین المللی**

عرصه ی جریانهای ارتباطات رسمی میان کشورهاست که با واسطه ی توافقنامه ها نظم و هنجار به خود می‎پذیرند و از طریق ترازنامه ها و موازنه ها مورد محاسبه و سنجش قرار می گیرند. مانند موافقت نامه های بین المللی، موازنه‎های بازرگانی، مبادلات پولی که مورد بازبینی و کنترل قرار دارند، مهاجرتهای تابع مقررات از این قبیل می باشند (اولیویه دولفوس، 1390، ص38).

**2-2-2 -2 عرصه ی فراملی**

جریانهایی است که در گذر خود مرزها را به کلی نادیده می گیرند، چنان که گویی هرگز وجود خارجی نداشته اند و یا در نهایت به دور زدن آنها اکتفا می کنند. جریانهای اطلاعات و جریانهای مالی را (فضای مالی جهانی در عصر ما کاملا فراملی است) می توان از این مقوله بر شمرد. فراملی را هم چنین به معنای غیر قانونی نیز می توان به کار گرفت نظیر دادو ستد غیر قانونی مواد مخدر در درون فضای جهانی یک فضای مالی فراملی با حالت مندیهای کارکردی، با مکانها و با مداخله گری ها خود را متمایز می دارد. نظیر فضای فراملی برای قاچاق مواد مخدر وغیره می باشد. این گونه فضاها با ویژگیهای خود با یکدیگر آمیختگی و همپوشی دارند و در پیکر بندی کنونی خود از شمار و مبانی شکل دهنده‎ی فضای جهانی محسوب می شوند.

در فضای جهانی اشکالی از سازمانبدنیهای گوناگون در ارتباط با پیشینه ی خود به طور هم زمان هم زیستی یافته اند، سازمابندیهایی که دارای تراکم های مشابه اما مفهومی متفاوتند، مثلا کشورهای توسعه یافته جریانهای مربوط به جابجایی انسانها، اموال، خدماتو اطلاعات که مرتبط با تراکم های بسیار بالا است، مستلزم برقراری پیوند ی مناسب میان سنخ هایی گوناگون از شبکه هاست شبکه هایی که استقرار و تغییر مکان آنها به سبب ارزش مستغلاتی آنها بسیار دشوار می نماید. از سوی دیگر می باید از تراکم و انبوه زدگی در پاره ای از اوقات روز و یا سال پرهیز کرد (( اولیویه دولفوس، 1390، ص38).

**2-2-2 -3 فضای سیاره ای**

فضای جهانی تنها فضای جغرافیایی است که در پی اثبات کرویت زمین به قول قدیم هرگز آفتاب در آن غروب نمی کند. در حال حاضر نیز هرگز آفتاب در مراکز بورس اوراق بهادار و در بازارهای مبادلات پولی افول نمی کند به این معنا زمانی که درهای مرکز بورس توکیو گشوده می شود. هنوز بورسهای اروپایی در خواب شبانه اند و هنگامی که بورسهای اروپایی از کار باز می ایستند بازار های پولی در ایالات متحده آمریکا آغاز به کار می کنند. از این روست که با استفاده از زمان باز و بسته شدن مراکز عمده ی مالی در جهان می توان به بازی با نرخ های مبادله ی اوراق بهادار همچنان ادامه داد و این خود مستلزم مراقبتی مستمر و زیر نظر داشتن لحظه به لحظه ی همه ی رخدادهایی است که در هر گوشه از زمین ممکن است اتفاق بیفتد.

گونه گونی محیطی بر اثر منطقه بندی آب و هوایی، پراکندگی اقیانوسها و خشکی ها و وجود کوه های بلند از جمله داده های سیاره ای به شمار می آیند. فضای جهانی طبیعتا فضای گونه گونی است اما سود جستن از تنوع چه به آب و هوا مربوط باشد و چه به بهره برداری از منابع پوسته‎ی جامد زمین مستلزم شناسایی و به دست دادن برآوردی از آن است و این خود مستلزم رفت و آمد اطلاعات و در اختیار داشتن فنون بهره برداری و ترابری برای بهر ه گیری از آن است، بنابراین کنشگرانی نیرومند و بسیار آگاه قادر هستند از این گونه گونی وضعیت های جهانی سود جویند و با توزیع جدید و مناسب فعالیت‎ها شرایط زیست جمعیتهای بسیاری را تغییر دهند (( اولیویه دولفوس، 1390، ص40).

**2-3 سازماندهی**

واژه سازماندهی برگرفته از واژه organization با ریشه یونانیorganon**،** به معنای ابزار و آلات و ادوات است. و در یک موجود زنده یا اورگانیسم، بخشی است که نقش مشخصی را ایفاء می کند. بدیهی است که این واژه اصولا کاربرد فیزیولوژیکی و تشریحی (آناتومیک) خود را از دست داده است. اما زمانی که سخن از سازماندهی در معنای اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کلمه باشد. (همچنان که در اوایل سده‎ی نوزدهم معمول بوده ) باز واژه با معنای اولیه ی خود ظاهر می شود، یعنی لازم می آید تا عوامل گوناگون تشکیل دهنده ی یک مجموعه ی اورگانیکی، هریک به پیروی از نظمی ویژه و در ارتباط با سایر مجموعه ها برای نیل به هدفی واحد به ایفای نقش بپردازند.( ایولاکوست، 1391، ص384).

**2-4 سازماندهی های بین المللی**

اصطلاح سازماندهی در سده ی بیستم به اجتماع بازیگران و شرکایی اطلاق می شد که جهت تحقق اهدافی معین پردهم آمده بودند.هماهنگ کننده و سازمان دهنده این فرایند، سازمان ملل متحد بود مقر خود را در شهر نیویورک قرار داد. این سازمان در حال حاضر دارای 186 عضو است که نمایندگان آنها مجمع عمومی سازمان ملل را تشکیل می دهند. قوه مجریه آن شورای امنیت مرکب از پنج عضو دائمی است که عبارتند از نمایندگان ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه (پنج کشوری که برنده جنگ جهانی دوم شمرده می شدند) و ده عضو غیر دایم که معرف گروههای گوناگونی از کشورها هستند .کشورهای بزرگی چون هند و برزیل و ممالک ثروتمندی چون آلمان و ژاپن که در تامین بودجه ای همواره با کسری سازمان ملل مشارکتی فعال داشته اند.متقاضی عضویت دایمی در شورای امنیت اند. این امکان وجود دارد که اختلاف و نفاقی که ایالات متحده ی آمریکا را بر آن داشت تا بدون کسب مجوز از شورای امنیت عراق را مورد تهاجم قرار دهد. تجدید نظر در ترکیب این شورا را بدنبال داشته باشد. و سازمان ملل متحده نظارت خود را علاوه برآنچه بدان اشارت رفت به سازماندهی مراکز تخصصی تر ی چون FMI (صندوق بین المللی پول)، یونسکو (سازمان ملل متحد برای آموزش، علم و فرهنگ) که مقر آن در پاریس قرار دارد، FAO سازماندهی برای کشاورزی و تغذیه) با مرکزیت آن در رم و بر OMS (سازمان بهداشت جهانی) مستقر در ژنو اعمال کند. (ایولاکوست، 1391، ص385).

**2-5 سازماندهی فضا**

عبارت سازماندهی فضا به ویژه برای آن دسته از جغرافیدانانی که معتقدند جامعه های انسانی تولید کننده ی فضا هستند سخت خوشایند افتاده و هریک از آن ها براساس یک نظم منطقی مرتبط با الگو (مدل های) هندسی یا کورم ها choremes به بیان چگونگی این سازماندهی می پردازند.این دسته از جغرافیدانان، جغرافیا را به ابعاد اجتماعی آن تقلیل می دهند. و همه ی آن چه را که به طبیعت تعلق دارد از دایره ی تعلقات فکری خویش بیرون می گذارند. و فضا را تنها زاده ی فعالیتهای انسانی می پندارند. در حالی که فضای زمینی بیش از همه سطحی است از سیاره با اقیانوس ها و قاره ها که پیکر بندی و پستی و بلندی آن ناشی از قدرتهای زمین شناختی عظیم است. از این نظر فضای زمینی یک داده donnee به شمار می آید و نمی توان به تشریح و تحلیل فضایی پرداخت، بی آنکه به اشکال بزرگ ناهمواری به موانع طبیعی یا به مخاطرات اقلیمی توجه داشت. پرسش اینجاست که چه کسی آنها را سازمان داده است ؟ خداوند یا طبیعت؟ چنین پرسشی را می توان در مورد پدیده های انسانی نیز تکرار کرد : چه کسی با آنها سازمان بخشیده است؟ مثلا توزیع نابرابر جمعیت از تحول جغرافیا – تاریخ تمدنها در زمان دور حاصل آمده است. در عوض به آسانی می توان از سازماندهی راه ها و راه های آهن که در واقع پاسخگوی نوعی منطق، نوعی نظم و نوعی سمت و سوی ژئوپولتیکی است سخن به میان آورد. اما آنچه که از آن یاد شد چیزی به جز عنصری از عناصر تشکیل دهنده ی فضا برداشتی است بیش از حد ساده شده در مورد پدیده ای پیچیده که پاره ای از عناصر تشکیل دهنده ی آن برای جامعه های انسانی خطر آفرین است ( ایولاکوست، 1391، ص384).

**2-5-1 سازماندهی سیاسی فضا و اهمیت آن**

فضای درون کشور، یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ سطح و ماهیت توسعه و فرصت اقتصادی؛ از لحاظ تفاوت‏هایی که طبیعتی فرهنگی و تاریخی دارند؛ از حیث تنوع در سلیقه‏ها و آرمان‏های سیاسی جمعیت و نگرش آنها نسبت به حکومت و نیز از لحاظ نابرابری‏ها در میزانی که دولت می‏تواند ارادۀ خود را بر قلمرو متبوع خود تحمیل کند، فرق می‏کند. این الگوها در طول زمان ثابت نیستند و روابط میان مردم، مکان و حکومت همواره در حال سیلان است (مویر، 1379، ص196).

سازماندهی سیاسی فضا، اگر مهم‏ترین بحث دولت‏های مدرن نباشد بدون تردید یکی از حساسترین و مهم‏ترین مباحث آنها می‏باشد که عوامل سیاسی و اجتماعی، تاریخ و فرهنگ یک جامعه را به کمک می‏طلبد. مبحث سازماندهی سیاسی فضا، تا بدان حد دارای اهمیت است که به عنوان شاخصی برای گونه شناسی نظام‏های حکومتی نیز بکار می‏رود. بنابراین می‏توان گفت سازماندهی سیاسی فضا، تقسیم‏بندی یک پهنه سرزمینی براساس عوامل و محدوده‏های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری توسعۀ پایدار و به منظور ایفای نقش سیاسی می‏باشد (احمدی‏پور و دیگران، 1390، ص 69).

دولتها به دلیل اهمیت سازماندهی سیاسی فضا در توسعه کشورهایشان نسبت به تقسیم فضای سرزمین خود به شکل مناسب و بهینه جدیت خاصی دارند. سطح اختیارات و قدرت تصمیم‏گیری و کارکرد سیاسی واحدهای تقسیماتی درون کشوری تا حد زیادی تابع نوع دولت و سیستم سیاسی سطح ملی می‏باشد.

سازماندهی سیاسی فضا، ازاهم مسائلی است که یک کشور در حال رشد باید برای انجام برنامه‏ریزی‏های اقتصادی و اجتماعی و اداری بهترین سرزمین و بهره‏برداری بیشتر به آن توجه نمود. مادامی که سازماندهی صحیحی نداشته باشیم بازده هرگونه برنامه‏ریزی در سطح ملی، منطقه‏ای و محلی ناچیز و احتمالاً مغشوش خواهد بود.

سازماندهی سیاسی فضا، ظرف و چارچوب ساختار تشکیلات اداری کشور را تعیین می‏نماید. چنانچه نظام سازماندهی سیاسی فضا به لحاظ سلسله مراتبی بلند (در ایران شامل کشور، استان، بخش و دهستان) باشد، ساختار تشکیلاتی نیز متمایل به بلند خواهد شد. ساختار بلند، فرآیند اطلاع‏رسانی را کند و نیاز به امکانات، منابع و نیروی انسانی زیاد باعث گسترش دیوان‏سالاری و پیچیده شده بوروکراسی اداری و اتلاف منابع و تحمیل هزینه‏های زیاد (به ویژه هزینه‏های جاری در مقابل عمرانی) بر دوش مردم و سرانجام، کندی فرآیند توسعه و عقب‏ماندگی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین بسیاری از کشورها (آمریکا، فرانسه، ترکیه، فیلیپین و...) نظام سازماندهی سیاسی فضا و به تبع آن ساختار تشکیلات اداری را از بلند به سمت تخت هدایت نموده‏اند تا از بزرگ شدن تشکیلات دولتی و از کندی فرآیند توسعه جلوگیری نمایند، به طوری که تعداد کارکنان دولت آمریکا به اندازه دولت ایران است. ذکر این نکته ضروری است که توسعه یک سرزمین دارای مثلثی سه ضلع است که اضلاع آن عبارتند از: 1-نواحی سیاسی 2-ساختار اداری 3-میزان اختیارات. توسعۀ یک سرزمین رابطه بسیار تنگاتنگ باسه عامل فوق دارد ودرتعامل با یکدیگر می‏باشند (احمدی‏پورو دیگران، 1390، ص71)

**2-5-2 اهداف سازماندهی سیاسی فضا**

مهم‏ترین اهداف اجرایی سازماندهی سیاسی فضا را می‏توان به شرح زیر بیان کرد:

1. ضرورت ایجاد و تقویت عدالت منطقه‏ای در سرزمین: شرایط نابرابر نواحی عملاً موجب گسستگی فضایی و تضعیف کمش‏های متقابل در سطح نواحی با یکدیگر و نواحی با فضای ملی شده است به گونه‏ای که برخی نواحی با انباشت و تمرکز مضاعف سرمایه، امکانات و جمعیت مواجه است و برخی از نواحی با ضعف شدید خدمات زیربنایی روبه‏روست.
2. شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و قومی یک سرزمین ضرورت حفظ وحدت و انسجام آن سرزمین را در قالب سازماندهی سیاسی فضا ایجاب می‏نماید. نادیده گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی در رابطه با سازماندهی سیاسی فضا در بسیاری مواقع ضمن بروز تنش‏های محلی مانع اجرای طرحهای توسعه و عمران سرزمین می‏گردد.
3. بهره‏گیری اصولی‏تر و بهینه از قابلیت‏ها و امکانات نواحی مختلف از طریق تعریف مجدد سازماندهی سیاسی فضا اداری فضا به شکلی که تمامی نواحی شرایطی برابر و عادلانه را در عرصۀ رقابت و حضور در عرصۀ توسعه پیدا کنند.
4. سازماندهی سیاسی فضا به لحاظ الزامات سیاسی- امنیتی و در جهت تقویت همبستگی محلی و مسائل دفاعی- امنیتی می‏تواند چارچوب منطقی جهت اتصال نواحی پیرامونی سرزمین به حوزه‏های باثبات داخلی باشد.
5. سازماندهی سیاسی فضا می‏تواند مبنای مناسبی برای بهره‏برداری از منابع طبیعی و رعایت مسائل زیست‏محیطی باشد و بدون توجه به شرایط اکولوژیکی و محدوده‏های تأثیرگذار محیطی نمی‏توان سازماندهی سیاسی مناسبی را برای یک فضا انتظار داشت.
6. سازماندهی سیاسی فضای مناسب موجب تسهیل در مکانیسم گردش کار جریان اداری سرزمین می‏شود. نامناسب بودن سازماندهی سیاسی فضا، موجب اتلاف سرمایه‏های ملی و ایجاد تنش‏های محلی می‏شود.

از نقطه‏ نظر امنیت داخلی هدف سازماندهی سیاسی فضا عبارت است از: ایجاد نظام مطلوب ناحیه‏بندی سیاسی و مدیریت سرزمینی به منظور حفظ یکپارچگی ملی، تمامیت ارضی، ارزش‏های اساسی و پایه‏ای و رشد و توسعه پایدار و متوازن نواحی در پرتو امنیت داخلی. چنین هدفی متضمن توسعه پایدار و متوازن ناحیه‏ای نیز خواهد شد. در واقع ارتقاء و تحکیم پیوندهای سرزمینی، وفاق ملی و استمرار هیأت سیاسی و امنیتی کشور می‏تواند در سایه نظام سازماندهی سیاسی فشای مطلوب حاصل شود. (احمدی‏پور و دیگران، 1390، ص 75)

**2-6 عناصر و شاخص‏های سازماندهی سیاسی فضا**

سازماندهی فضا از نظر سیاسی براساس شاخص‏های متعدد اقلیمی، شکل زمینی، تراکم جمعیت، ویژگی‏های فرهنگی (مانند مذهب، زبان، نژاد و...) امنیتی، اجتماعی و اقتصادی به منظور ایجاد نواحی کوچکتر سیاسی انجام می‏شود.

در کشورهای مختلف جهان شاخص‏ها و قوانین مختلفی را در سازماندهی سیاسی فضا به کار می‏برند که به طور کلی این شاخص‏ها را به سه گروه اصلی می‏توان تقسیم نمود:

**2-6-1 شاخص جمعیت**

مهمترین معیار سازماندهی به ویژه در مبحث جغرافیای انتخابات می‏باشد. این شاخص یکی از معیارهای اصلی و تعیین کننده اهمیت نسبی یک ناحیه به حساب می‏آید و نشان دهندۀ میزان نقش و کارکرد در پاسخگویی به سطحی از نیازهای خدماتی، مدیریتی و اداری ناحیه است. میزان جمعیت و نرخ رشد آن به عنوان یک شاخص تعیین کننده در نظام سازماندهی سیاسی فضای ایران از طریق آمار رسمی مرکز آمار ایران که طی سرشماری‏های دوره‏ای به دست می‏آید لحاظ می‏شود. البته در برخی کشورها شاخص‏های دیگر نسبت به شاخص جمعیت بیشتری دارند مثلاً در کشور انگلستان احترام به مرزهای قدیمی مهمتر از شاخص جمعیت می‏باشد. در حال حاضر شاخص جمعیت یکی از معیارهای اساسی سازماندهی سیاسی فضا در ایران می‏باشد(عاملی، 1382، 40ص).

**2-6-2 شاخص‏های جغرافیایی**

این شاخص‏ها به دو دسته اصلی تقسیم می‏شوند: 1- مرزهای جغرافیایی که شامل مرزهای سیاسی- اداری و مرزهای طبیعی می‏باشد. همینطور مفاهیمی چون علایق مشترک به ویژه در مورد گروه‏های قومی و اقلیت در اینجا مطرح می‏شود. از دیگر مباحث این بخش به ویژه در کشورهای توسعه یافته، حمل و نقل و ارتباطات است. 2- شکل و اندازه جغرافیایی که مهترین مثال آن بعد قلمرو، پراکنش اندک جمعیت و دسترسی است که به خصوص در این بخش مطرح می‏شود. شاخص تراکم به معنای نسبت جمعیت به وسعت ناحیه است اما شاخص فشردگی درجه‏ای است که نسبت طولی یا عرض اندازه‏گیری شده از مرکز ناحیه را بیان می‏کند و تنها ممکن است در برخی موارد به دلیل پیروی از مرزهای سیاسی یا عوارض جغرافیایی لحاظ نشود.

مفهوم مجاورت نیز بیان می‏کند که کلیت یک ناحیه باید یک قطعه باشد به نحوی که هر شخص برای سفر به تمام نقاط یک ناحیه تنها در دوران آن ناحیه عبور کرده و از ناحیه دیگری عبور نکند. این شاخص نیز تنها زمانی که مجاور بودن تمام قسمت‏های یک ناحیه در کنار هم میسر نباشد مثلاً ناحیه‏ای متشکل از جزایر مختلف قابل چشم‏پوشی است. (عاملی، 1382، ص40).

**2-6-3 شاخص سیاسی**

بحث گروه‏های اقلیت اعم از گروه‏های مذهبی، زبانی، قومی و حتی سیاسی، به طور خاص در این بخش مطرح می‏شوند. این شاخص ایجاد یک سازماندهی خنثی و بی‏طرفانه را که هیچ یک از گروه‏ها جانبداری نکند، تحت تأثیر فشارهای سیاسی قرار نگیرد، مشارکت همه افراد را امکان‏پذیر سازد و به احقاق حقوق و رفع نیازهای اداری- مدیریتی همگان بینجامد، را ضروری می‏سازد (عاملی، 1382، ص41).

**2-7 فرآیند سازماندهی سیاسی فضا**

دولت‏ها در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا به بررسی و سامان دادن چندین عامل می‏پردازند تا براساس آن

بتوانند در پهنه و فضای سیاسی کشور به تسهیل در اعمال حاکمیت که اصل غیرقابل تغییر هر کشوری می‏باشد، بپردازند. این فرآیند در دولت‏های متمرکز و نیمه متمرکز تا حدودی شبیه می‏باشد که عبارتند از:

1. بررسی و شناخت ویژگی‏های عمومی و مشترک فضا وسرزمین، تعیین منظومه‏های سکونتگاهی شهری و روستایی و جامعه ایلی و برآورد دقیق وسعت، جمعیت، روابط فاصله‏ای، کارکردهای اقتصادی و شناخت ویژگی‏های فرهنگی منطقه‏ای، نقطه آغازین این فرآیند را تشکیل می‏دهند. اما این مطالعات در وهله نخست باید کمیت‏پذیر بوده و دوم آنکه به طور مشخصی کاربردی، جهت‏دار و به ویژه جمع و جور باشند و سوم آنکه سرانجام به تهیه و تنظیم و استخراج شاخص‏های پایه‏ای و عینی قابل تطبیق با محیط منجر شود.
2. تعیین کانون اصلی ناحیه و کانون‏های فرعی.
3. تحدید مرزهای ناحیه‏ای و تعیین حوزۀ نفوذ کانون سیاسی آن. استفاده از عوامل طبیعی برای تعیین حدود سیاسی ناحیه تا حدود زیادی از پیچیدگی‏های مرحله‏های بعدی خواهد کاست. اما اصلاح این مرزها به طور معمول با استفاده از شاخص‏های فرهنگی صورت می‏گیرد. برهمین اساس با توجه به مدل مینیگ ساختمان فضایی هر ناحیه فرهنگی از چند لایه مرتبط باهم تشکیل شده است. هستۀ حوزه نافذ فرهنگ (ناحیه مجاور هسته)، محیط نفوذ فرهنگ (ناحیه مجاور حوزه نافذ فرهنگ) و بخش‏های خارجی نفوذ فرهنگ. به تدریج تراکم ویژگی‏های فرهنگی و جمعیتی کاسته می‏شود و در لایه چهارم به حداقل خود می‏رسد. این مدل رشد فرهنگ را از لحاظ سه منطقه فرعی مداوم و کجاور تجزیه و تحلیل می‏کند. این مدل برای تعیین حوزۀ نفوذ کارکردهای اقتصادی نیز می‏تواند مورد استفاده قرار گیرد.
4. ارزیابی و بررسی دقیق نظرگاه‏های مردم به ویژه در محیط نفوذ و بخش‏های حاشیه‏ای در مورد میزان دلبستگی و همگرایی آنان نسبت به ناحیه سیاسی و کانون سیاسی آن. اصلاح حدود ناحیه و مرزهای آن استفاده از اندیشه استراتژیک دولت. به عبارت بهتر این حق دولت مرکزی است که با درنظر گرفتن نقش ناحیه در فضای ملی و در جهت کاهش اثر نیروی گریز از مرکز و افزایش توان همگرایی، خواست و اراده خود را در مورد حدود مرزهای ناحیه تحمیل نماید. علت روشن است، دولت مرکزی اولاً مسئول حفظ و پاسداری از هدف اصلی دولت- کشور یعنی بقای ملی و در نتیجه امنیت ملی می‏باشد، ثانیاً دولت مرکزی با توجه به جایگاهش، تمام فضاها و لایه‏های درونی و بیرونی آن را درک می‏کند؛ در حالی که به طور طبیعی دولت‏های ناحیه‏ای و مردم هر ناحیه تنها به درک مستمر نیازهای منطقه‏ای نائل می‏شوند.در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا و تعیین مرزهای نواحی سیاسی کشور با چهار مرحله مواجه هستیم. این فرآیند پیش از مراحل مطالعاتی و استفاده از شاخص‏های سازماندهی سیاسی فضا انجام می‏شود و به نوعی جنبه عملیاتی و کاربردی دارد. لذا پس از انجام مطالعات نظری جهت انجام سازماندهی می‏بایستی این فرآیند را به شکل زیر عملی نمود:
5. **تعیین سطح**

مرحله اول شروع فرآیند سازماندهی سیاسی فضا مرحله تعیین سطح می‏باشد که با توجه به قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران از نظر سطوح نواحی سیاسی دارای چهار سطح استان، شهرستان، بخش و دهستان می‏باشد. این مرحله به بیان این قسمت می‏پردازد که ما توجه به شاخص‏های مؤثر در سازماندهی سیاسی فضا در این ناحیه چه سطحی از نواحی سیاسی را از نظر اداری و سیاسی داشته باشیم که هم به افزایش قلمرو مؤثر ملی منجر شود و هم در پر نمودن حفره‏های دولت مؤثر واقع گردد وهمچنین بتواند در زمینه خدمات‏رسانی و تسهیلات به ساکنان در مرحله بعد مؤثر واقع گردد، چراکه با وجود اینکه جنبه خدمات‏رسانی از دیدگاه حکومت مرکزی پس از دو مورد قبل (افزایش قلمرو ملی و زدودن حفره‏های دولت) می‏باشد؛ لذا در صورتی که خدمات‏رسانی و ارائه امکانات نتواند به درستی ایجاد گردد سبب ضعف در سرمایه اجتماعی شده و اقبال نسبت به حکومت مرکزی کاهش خواهد یافت. لذا دولتها در سازماندهی سیاسی فضای درون کشوری باید به این امر مهم توجه داشته باشند (احمدی‏پور و دیگران، 1390، ص83).

1. **تعیین محدوده**

در این مرحله با توجه به اینکه رقابتهای مکانی شکل گرفته در مرحله قبل و عواملی چون عدم رضایت ساکنین یک ناحیه که قبل از آن در تابعیت حوزۀ نفوذ دیگری بوده‏اند تعیین حدود را مشکل می‏نماید، به تعیین حدود سطوح مختلف سیاسی و اداری کشور پرداخته می‏شود. در تعیین حدود نواحی سیاسی می‏بایستی به یک سری شاخص‏ها به طور اخص و تعدادی از شاخص‏ها به طور اعم توجه شود. چراکه عدم توجه دقیق سبب خواهد شد تا نواحی دارای دیدگاههای خاص اقبالی به محدوده جدید نشان ندهند. در این مورد می‏توان به بحرانهای شکل گرفته پس از تعیین محدوده نواحی سیاسی در استانهای مختلف کشور اشاره داشت که نشان از عدم توجه کافی مسئولین و همچنین توقع زیاد مناطق در این خصوص دارد. در این قسمت بایستی به شکل به تعیین محدوده نواحی سیاسی پرداخت که کمترین دردسر و مشکل را برای حکومت مرکزی و ساکنان داشته باشد(احمدی‏پور و دیگران، 1390، 84) .

1. **تعیین نام (نامگذاری)**

مرحله بعدی تعیین نام می‏باشد که با توجه به عدم انطباق مرزهای تقسیمات کشوری بر مرزهای فرهنگی در تعیین نام، اختلافات قومی شکل می‏گیرد. نامگذاری فرآیندی است که طی آن، واحدهای سیاسی کشور با توجه به مؤلفه‏های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی بر روی نقشه کشور شناسایی می‏گردند. در واقع هر نام جغرافیایی سه ویژگی دارد که عبارت از امکان و موقع، پیشینه تاریخی و ساختار و مفهوم می‏باشد. در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی، نام‏های جغرافیایی در حکم شناسنامه یک کشور و ملت قلمداد می‏شوند؛ زیرا اسامی و نام‏های کشورها، کوهها، بیابان‏ها و جنگل‏ها همگی جزئی از تاریخ و جغرافیای ملت‏های ساکن می‏باشد. بر این اساس توجه به نامگذاری صحیح در مناطق مختلف موجب تسهیل در اعمال حاکمیت خواهد بود و لذا دولت‏ها با نامگذاری بیشتر طبیعی در تلاش در جهت هویت بخشی به مناطق مختلف براساس خواسته‏های خود می‏باشند (احمدی‏پور و دیگران، 1390، ص86) .

**2-8 سازماندهی و مدیریت مکان و ناحیه سیاسی**

فضای مکان و ناحیه سیاسی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با سایر نواحی و نیز تعریف و استقرار نهادهای سازمانی محلی، مرزهای ناحیه و کانون آن به سازماندهی سیاسی نیاز دارد. سازماندهی سیاسی مکان و ناحیه بر اساس این اصول انجام می گیرد.

1-تسهیل ارائه خدمات به مردم

2- دسترسی مردم به کانون ناحیه و مراکز خدمات دهی

3-رضایتمندی شهروندان و ساکنان از شکل و الگوی ناحیه و تعلق و وابستگی به آن

4-مشارکت مردمی در فرایندهای سیاسی

5-توسعه پویا، مستمر و پایدار همه جانبه ناحیه

6-انتقال قدرت سیاسی و اجرایی به سطح محلی (عدم تمرکز)

7-امنیت و آرامش عمومی

8-وحدت و وفاداری ملی

9-یکپارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی ناحیه

10- تشابه و تناظر نهادهای سطح ملی و محلی

11- هم تکمیلی منطقه ای و ملی (حافظ نیا، 1383، ص22)

**2-9 عوامل موثر بر شکل گیری فرایند سازماندهی سیاسی فضا**

* افزایش جمعیت و ضرورت تامین بهتر نیازهای آنها
* دگرگونی شیوه و الگوی زندگی و زیست انسانها و طرح نیازهای تازه
* دگرگونی فناوری و تغییر روشهای تولید و ارائه خدمات و ترویج نوآوریها
* افزایش مداوم سطح فکر و آگاهی مردم و نیز خواست آنها برای مشارکت بیشتر در سرنوشت خود و کاهش اقتدار حکومت
* افزایش نوع و حجم فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در فضای جغرافیایی و بالتبع توسعه گرفتاریها و حجم ماموریتهای سازمانهای حکومتی و مردمی برای اداره بهینه آنها و در نتیجه الزام بر کوچک سازی فضایی واحدهای تقسیماتی.
* افزایش احساس خود آگاهی و هویت مکانی (محلی گرایی و ناحیه گرایی)
* ضرورتهای امنیتی و کنترل ناهنجاریهای فضایی و اجتماعی از طریق کوچک سازی
* کاهش منابع و بنیادهای زیستی و لزوم کاربری مدیریت بهینه برای بهره برداری بهتر از آنها با رعایت اصول توسعه پایدار
* ملاحظات سیاسی ناشی از اثر نیروهای بین المللی (حافظ نیا، 1379، ص195).

**2-10 اهداف عمده سازماندهی سیاسی و مدیریت ناحیه**

* اداره بهتر امور محلی و ناحیه ای، نظیر تاسیسات عمومی، روابط اجتماعی، رفاه و عمران محلی و امنیت عمومی
* کنترل و نظارت سیاسی و اعمال نظریات و سیاستهای حکومت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضاهای محلی و ناحیه ای
* فراهم سازی شرایط مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق انتخابات عمومی چه در سطح محلی و چه در سطح ملی و تامین آرمان و خواست سیاسی مردم محلی
* ایجاد فرایندهای توسعه منطقه ای و بارورسازی پتانسیلهای درون مکانی و ناحیه ای
* ایجاد فرایندهای چهارچوب فضایی مناسب برای گسترش سازمانی دستگاههای اداری حکومت مرکزی
* ارائه خدمات مطلوب و ارتقای سطح زندگی و تامین نیازهای مردمی و محلی ( بهداشت، آموزش، ارتباطات، عمران و غیره
* ایجاد چهارچوب فضایی مناسب برای تقسیم کار ملی و تنظیم روابط منطقی بین اموری که ماهیت و سرشت ملی دارند و اموری که ماهیت آنها محلی و ناحیه ای است (تنظیم روابط میان تمرکز و عدم تمرکز) (حافظ نیا، 1381، ص371).

**2-11 ملاحظات لازم در سازماندهی سیاسی فضا**

-امکان سنجی اتخاذ سیاست سازماندهی با توجه به ضرورتها و عوامل موثر بر فرایند سازماندهی

- پرهیز از قرار دادن کانونها، مکانها و نواحی هم وزن یا نسبتا هم وزن در یک ناحیه یا واحد فضایی چنین کانونهایی به دلیل رقابت ژئوپلیتیکی در قالب یک واحد سیاسی فضا جا نمی گیرند. این مسئله تنش را در سطح ناحیه بین کانونهای هم وزن توسعه داده و پایدار می کند.

- پیوند نواحی حاشیه ای نامتجانس که دچار روحیه و احساس جدایی گزینی سرزمینی از کشورند از طریق زبانه ها و بخشهای متعلق به بدنه اصلی کشور

- رعایت حق تاریخی و سابقه الحاق مکان به کانون یا ناحیه سیاسی.

- شکل گزینی مناسب فضا و ترجیه اشکال فشرده بر اشکال طویل و زایده دار

- توجه به قابلیتها و استعداد های اقتصادی – اجتماعی ناحیه و مکان برای شکل گیری فرایند توسعه خود اتکا و درون زا

- توجه به دسترسی آسان مردم به مراکز خدماتی و کانونی و اطمینان از مقبولیت و پذیرش کانون و ناحیه سیاسی الحاقی از سوی آنان (حافظ نیا، 1383، ص25).

**2-12 نظامهای حکومتی مدیریت سیاسی فضا**

بین نظام حکومتی و الگوی توزیع فضایی قدرت سیاسی و احاله اقتدار تصمیم گیری به نواحی جغرافیایی و واحدهای محلی رابطه وجود دارد. از این رو در اینجا الگوهای حکومتی که در جهان متداول بوده و هر کدام شیوه خاصی را برای مدیریت سیاسی فضای جغرافیایی خود دارند به طور مختصر معرفی می شود.

**2-12 -1 الگوی بسیط یا تک ساخت**

الگوی حکومتی بسیط و متمرکز از اروپا به دیگر نقاط جهان بویژه مستعمرات راه یافت. الگوی مثالی حکومت بسیط در جهان، دولت فرانسه است که زاییده سیاست ناپلئون می باشد. پیش از ناپلئون فرانسه دولتی نامتمرکز و غیر بسیط داشت. ولی اوکوشید با طرح سازمان سیاسی– فضا وابستگی مکانی و محلی مردم فرانسه را به الگوی ناحیه ای گذشته قطع کرده قدرت را در پاریس متمرکزکند.در فرایند این نقش آفرینی تاریخی پاریس به عنوان هسته سیاسی مظهر یکپارچگی ملی شهروندان فرانسوی سهم زیادی داشت. امروزه در نقشه سیاسی جهان بیش از صد و پنجاه کشور حکومت و دولت بسیط دارند.(glassner، 1993، ص100، به نقل از حافظ نیا و کاویانی، 1383، ص26)

دولتهای بسیط از حیث تمرکز گرایی در کنترل اقتدار سیاسی به دو گروه تقسیم می شوند:

1- بسیط متمرکز که نظام سیاسی و اداری متمرکزی دارند و تصمیمات سیاسی و اداری در مرکز گرفته می‎شود و سطوح پایین تر بیشتر نقش اجرایی دارند نظیر ایران.

2- بسیط غیر متمرکز که از نظر سیاسی و قانوگذاری متمرکز، ولی از نظر اداری و خدماتی غیر متمرکزند و برای اداره امور بیشتر به دولتهای محلی اصالت می دهند، نظیر ژاپن، فرانسه و اندونزی.سایر کشورهای بسیط از نظر تمرکز سیاسی و اداری در طیفی میان دو وضعیت گفته شده قرار می گیرند( همان، ص27).

**2-12 -2 الگوی ترکیبی و فدرال**

الگوی فدرال که به قول رابینسون به جغرافیایی ترین الگوی حکومتی معروف است. راه حل سیاسی مناسبی برای اداره سرزمینهایی است. که به وسیله گروههای مختلف (زبانی، مذهبی، قومی و فرهنگی) مسکون شده و تفاوتهای ناحیه ای تظاهر یافته است (میرحیدر، 1381، ص153).

الگوی فدرال از به هم پیوستن جماعات انسانی و واحدهای سیاسی متمایزپدید می آید که تصمیم می گیرند سرنوشت خود را به هم پیوند داده و کشور بزرگتری با امکانات بیشتر به وجود آورند (حافظ نیا، 1381، ص422).

**2-12-3 الگوی ناحیه ای**

با توجه به کشش دو الگوی فدرال و بسیط به سمت عدم تمرکز و تمرکز خوآن فروراندو صاحبنظر اسپانیایی الگوی دولت ناحیه ای را به عنوان نظام تعدیل کننده پیشنهاد کرده است. در این الگو دولت بسیط بخشی از قدرت سیاسی را به نواحی داخلی که از هویت قومی و فرهنگی برخوردارند واگذار می کند. بهترین شکل دولت ناحیه ای در حال حاضر انگلستان است. دولت مرکزی معمولا بر اساس خواست مسالمت آمیز یا قهری اینگونه مناطق جغرافیایی در پیکره کشور به آنها خود مختاری می دهد. نظیر عراق، اسپانیا، آذربایجان، روسیه و غیره (حافظ نیا و کاویانی، 1383، ص31).

**2-13 تمرکز و عدم تمرکز در نظام سیاسی**

تمرکز و عدم تمرکز در رابطه مستقیم با مفهوم توزیع فضایی قدرت سیاسی و برخورداری نواحی و مکانهای جغرافیایی از اقتدار تصمیم گیری قرار دارد.توزیع فضایی قدرت سیاسی عبارت است از پخش قدرت متمرکز سیاسی در پهنه سرزمین و برخوردار کردن نهادها و سازمانهای مردمی و حکومتی محلی از اقتدار تصمیم گیری و اجرا در امور مربوط به نحوی که متضمن وحدت و امنیت ملی و توسعه پایدار همه جانبه و پویا در سطوح ملی، منطقه ای و محلی باشد. قدرت سیاسی متمرکز می تواند در دو بعد توزیع شود.

1. بعد فضایی که بیشتر بر نقش مردم و سکنه مکانها و نواحی جغرافیایی تاکید می کند.
2. بعد ساختی که در آن قدرت سیاسی و اقتدار تصمیم گیری در سطوح مختلف ارکان حکومتی انتشار می یابد و بر بعد دولتی و حکومتی تاکید می کندواقع حکومت اقتدار سیاسی خود را بیشتر به نهاد ها و رده‎های سازمانی مربوط به خود تفویض می کند.

تمرکز عبارت است از نظام و شیوه ای که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور عمومی (ملی و محلی) به وسیله مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولا در پایتخت مملکت (مرکز) قرار دارد اتخاذ و اجرا می شود. در این حالت قدرت و اختیار اداره و اجرای امور نیز کلا در سازمانهای مرکزی تجمع می یابد. برعکس عدم تمرکز عبارت است از نظام و شیوه ای که امور عمومی و ملی از سوی سازمانهای اداری و سیاسی مرکزی و امور محلی از سوی سازمانهای محلی که درمراکز جمعیتی وسطوح مختلف تقسیمات کشوری استقرار دارند انجام می شود. در این نظام قدرت مرکزی قسمتی از اختیارات خود را به صراحت قانون اساسی یا قوانین عادی به مقامات و سازمانهای واجد شرایط محلی واگذار می کند(طاهری، 1375، ص100).

**2-14دولت و حکومت محلی**

دولت و حکومت محلی به لحاظ مفهومی سازه سیاسی اداری است که در نتیجه فرایند توزیع فضایی قدرت سیاسی به وسیله حکومت مرکزی پدید می آید . به عبارتی فرایندی است که موجب می شود تصمیم گیری، اجرا و نظارت درباره امور محلی در چهارچوب سیاستهای کلی حکومت مرکزی به نهاد ها و سازمانهای مردمی نظیر شوراها، انجمنها، نهادهای مدنی، نهادهای داوری و ریش سفیدی) و نیز مقامات و نهادهای حکومتی محلی (نظیر فرمانداری، بخشداری و ادارات دولتی) واگذار شود (نبوی، 1356، ص29 به نقل ازحافظ نیا و کاویانی، 1383، ص 37)

**منابع**

1-احمدی‏پور، زهرا و دیگران، 1390، سازماندهی سیاسی فضا، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

2-ازکیا، مصطفی، 1384، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران

3-اصلاح، عربانی، ابراهیم، 1374، کتاب گیلان، نشر گروه پژوهشگران ایران، جلد اول.

4-امیر احمدیان، بهرام، 1383، تقسیمات کشوری، دفتر پژوهش های فرهنگی

5-اولیویه دولفوس، ترجمه سهامی، سیروس، 1390، فضای جهانی تاملی در چگونگی پدیده جهانی شدن، انتشارات پاپلی

6-ایولاکوست، ترجمه سهامی، سیروس، 1391، از ژئوپولیتیک تا چشم انداز ( فرهنگ جغرافیا، انتشارات پاپلی و پژوهشکده امیر کبیر

7-بهمنی، علیرضا و نوروز فشخامی، حسین و فروغی فر، طیبه، 1391، تعیین اولویتهای سرمایه گداری مبتنی بر مزیتهای رقابتی ( مطالعه موردی منطقه آزاد تجاری – صنعتی انزلی)، ، مجموع مقالات پنجمین انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه آزاد واحد رشت

8-پایلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی، 1385، گردشگری (ماهیت ومفاهیم)، انتشارات سمت، چاپ اول

9-پور موسوی، موسی، 1386، سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران

10-جعفرپور، ابراهیم، 1371، اقلیم شناسی، انتشارات دانشگاه پیام نور

11-حافظ نیا، محمد رضا و دیگران، 1389، سیاست و فضا، انتشارات پاپلی مشهد

12-حافظ نیا، محمد رضا، 1379، مبانی مطالعات سیاسی- اجتماعی، انتشارات سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، جلد اول

13-حافظ نیا، محمد رضا، 1381، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت

14-حافظ نیا، محمد رضا، 1382، جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت

15-حافظ‏نیا، محمد رضا و کاویانی‏راد، 1383، افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت

16-درئو، ماکس، 1374، جغرافیای استانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات رایزن مشهد

17-دلاور، علی، 1380، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماع چاپ اول

18-رضواني، محمد رضا، 1387، مقدمه اي بربرنامه ريزي توسعه روستايي درايران، چاپ دوم تهران : نشر قومس

19-رضوانی، علی اصغر، 1374، جغرافیا و صنعت توریسم، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم

20-زمردیان، محمدتقی، 1378، کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه ریزی شهر و روستایی (رشته جغرافیا) انتشارات دانشگاه پیام نور.

21-سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1383، نقشه توپوگرافی برگهای انزلی، رشت، رضوانشهر، مقیاس 1:50000

22-سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گیلان،

23-سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، 1377، سیمای اقتصادی شهرستان بندرانزلی.

24-سازمان هواشناسی استان گیلان، 1385، هواشناسی شهر بندرانزلی، داده های اقلیمی منطقه مورد مطالعه

25-شرکت مهندسین مشاور سبزاندیش پایش، 1388، مطالعات امکان سنجی مناطق نمونه گردشگری.

26-شرکت مهندسین مشاور سبزاندیش پایش، 1388، مطالعات کالبدی فضایی و بررسی و ارزیابی زیر ساخت های کاربری اراضی.

27-اهری، ابوالقاسم، 1375، حکومتهای محلی و عدم تمرکز، انتشارات قومس

28-طرح تفضیلی شهر بندرانزلی، 1378-1388

29-طرح هادی روستای تربه بر، 1381، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان

30-طویلی، عزیز، 1370، تاريخ جامع بندرانزلي، انتشارات علمي فرهنگي، تهران.

31-عاملی، سعید رضا، 1382، تحلیل فضای مجازی ایرانی، مجموعه مقالات دانشجویی،

32-علیجانی، بهلول، 1383، آب و هوای ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور

33-فرمانی، شهرام، 1381، جذب سرمایه گذاری خارجی گسترش توریسم، نشر آیه.

34-فشارکی، پریدوخت، 1375، جغرافیای روستایی، مرکز علمی انتشارات دانشگاه آزاد تهران

35-کسمایی، مرتضی، 1387، پهنه بندی اقلیمی ایران، مسکن و محیط های مسکونی، انتشارات تهران.

36-کشوردوست، علیرضا، 1387، گیلان شهرها، انتشارات وارسته.

37-گلدوست خیزران، 1386، بررسی گردشگری شهری با تأکید به مکان یابی فضاهای جدید بر اساس مدل، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم دانشگاه آزاد واحد رشت

38-مدنی پور، 1379،

39-مرکز آمار ایران، 1379، آمارنامه استان گیلان

40-مرکز آمار ایران، 1388، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان نقشه آبادیهای استان گیلان،

41-مرکز آمار ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بندرانزلی).

42-مطالعات امکان سنجی منطقه نمونه گردشگری کپورچال، 1387،

43-مطیعی لنگرودی، سید حسن، 1384، برنامه ریزی روستایی با تاکیدبر ایران، نشر جهاد دانشگاهی مشهد

44-مطیعی لنگرودی، سید حسن، 1384، جغرافیای اقتصادی ایران، نشر جهاد دانشگاهی مشهد

45-معاونت برنامه ریزی و استانداری گیلان، 1386،

46-مهدوی، مسعود، 1374، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، نشر قومس.

47-موسی پور، پری، 1374، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد رشت

48-مولایی هشتجین، نصرالله، 1374، پژوهشی در ساختار جمعیتی منطقه زلزله زده رودبار گیلان، موسسه جغرافیا و انتشارات ارشاد، مجموعه مقالات سمینار اصفهان و جاذبه ها ی ایرانگردی و جهانگردی، 1374، اداره کل ارشاد اسلامی.

49-مقیمی، محمد، 1385، سازمان و مدیریت(رویکرد پژوهشی)، انتشارات ترمه

50-مویر، ریچارد، 1379، درآمدی نوع بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

میرحیدر، دره، 1386، جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت

**51**- میرزایی، محمد علی و همکاران، 1391، استان گیلان و تقسیمات کشوری، مجموع مقالات پنجمین انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه آزاد واحد رشت

52- نبوی، مصطفی، 1356، تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی در ایران، سازمان چاپ خواجه تهران

53- وزارت کشاورزی، موسسه تحقیقات آب و خاک، 1370، نقشه قابلیت و استعداد اراضی استان گیلان، مقیاس1:250000

54-وزارت کشاورزی معاونت طرح و برنامه و آمارکشور، 1372، نقشه کاربری و پوشش اراضی رشت، مقیاس1:100000

55- یوسفی نژاد، ریحانه، 1389، بررسی تاثیر منطقه آزاد تجاری– صنعتی بر ساختار فضایی شهر بندرانزلی، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد رشت

1. Lock Leibnitz EMManuel Kant [↑](#footnote-ref-1)